

اشاره:

اگر بخواهیم آنچه قبل از تعطیلات به عنوان جمع بندی مباحث مطرح شده، طرح گردید، را با مبنای خودمان در بحث از «وضع هیأت امر» و نحوه دلالت آن بر وجوب منطبق نمائیم به چنین جمع بندی می رسیم:

درباره اصالة النفسیه باید نکاتی را مطرح کرد:

۱) آیا این اصل، از زمره اصول عملیه است و به معنای جریان اصالة الاحتیاط در موضوع مورد بحث است؟ قبل از پاسخ به این سوال باید بگوییم تفاوت بین اصل عملی و اماره در آن است که اماره، در مقام تبیین واقع است در حالیکه اصل عملی صرفاً در مقام عمل تحیر را بر می دارد.

حال آنچه امام مطرح کرده اند، کدام یک از دو مورد است؟ ایشان می نویسند:

«فإنَّ الهيئةَ و إن لم توضع إلا لمجرد البعث و الإغراء، و ما ذكر و مقابلاته خارجة عن مدلولها، لكن مجرد صدور الأمر عن المولى موضوع لوجوب الطاعة، فإذا تعلق أمر بشيء يصير حجة عليه، فإذا عدل المكلف إلى غيره باحتمال التخيرية أو تركه مع إتيان الغير باحتمال الكفائية، أو تركه مع سقوط الوجوب عن غيره باحتمال الغيرية، لا يكون معذورا لدى العقلاء، لا لدلالة الهيئة و ضعا على شيء منها.»^۱

ممکن است ظاهر کلام امام آن باشد که:

اصل اولی در رابطه عبد و مولا، اطاعت است و لذا اگر متوجه خواسته ای از مولا شد باید آن را انجام دهد تا مطمئن شود که تکلیف از او ساقط شده است.

روشن است که این بیان، معلوم نمی کند که آنچه مولا خواسته است، واجب نفسی است یا واجب غیری و صرفاً احتیاط را واجب می کند.

در حالیکه ممکن است بگوییم مراد امام از این کلام نکته دیگری است و ایشان می خواهند بگویند «وقتی عقلا چنین حکمی دارند (اگر از مولا چیزی شنیدی باید آن را انجام دهی و نمی توانی به احتمال اینکه شاید غیری باشد، آن را ترک کنی) هر متکلم حکیمی می تواند در صورتی که واجب نفسی را اراده کرده باشد، با اتکا به این حکم عقلایی از آوردن قید واجب نفسی، سرباز زند و به همین حکم عقلا برای بیان مراد خودش اتکا کند.»

۱. مناہج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص: ۲۸۲



روشن است که در این صورت، حکم عقلا (یا بنای عقلا) اماره است و نفسی بودن را معلوم می‌کند (و دال بر وجوب احتیاط نیست) البته در این صورت دلیل بنای عقلا (یا حکم عقل) بر نفسی بودن است.

جمع بندی:

به نظر فرمایش امام تمام است و اصل نفسی بودن است به دلیل بنای عقلا.

